اَلْماضي	اَلْمُضارع	اَلْأَمر	اَلْمَصدَر
اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجاع: پس گرفتن
اِشْتَغَلَ: کار کرد	يَشْتَغِلُ: کار می‌کند	اِشْتَغِلْ: کار کن	اِشْتِغال: کار کردن
اِنفَتَحَ: باز شد	يَنفَتِحُ: باز می‌شود	اِنفَتِحْ: باز شو	اِنفِتاح: باز شدن
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخَرُّج: دانش‌آموخته شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

ترجمه کن فعل‌های زیر را،

تَرجِمِ الْأَفعالَ التّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	اِستَغفَرَ: آمرزش خواست	يَستَغفِرُ: آمرزش می‌خواهد
امر	مصدر	اِستَغفِرْ: آمرزش بخواه	اِسْتِغْفار: آمرزش خواستن

ماضی	مضارع	اِعتَذَرَ: پوزش خواست	يَعتَذِرُ: پوزش می‌خواهد
امر	مصدر	اِعتَذِرْ: پوزش بخواه	اِعْتِذار: پوزش خواستن

ماضی	مضارع	اِنقَطَعَ: بریده شد	يَنقَطِعُ: بریده می‌شود
امر	مصدر	اِنقَطِعْ: بریده شو	اِنْقِطاع: بُریده شدن

ماضی	مضارع	تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید
امر	مصدر	تَكَلَّمْ: سخن بگو	تَكَلُّم: سخن گفتن